

بررسی نقش ترجمه و ادبیات ترجمه‌ای در توسعه ادبیات روسیه (تحلیل موردی تأثیر ترجمه قرآن در مضامین اشعار آلكساندر پوشکین)*

جان‌اله کریمی مطهر

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۲/۶/۲۵

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۲/۱۶

چکیده

در این مقاله، ابتدا به نقش ترجمه و ادبیات ترجمه‌ای در توسعه، رشد و شکوفایی ادبیات ملی و همچنین به دیدگاه‌های نویسندگان و محققان بزرگ در رابطه با این مسائل اشاره شده است. اکثر نویسندگان روسیه معتقدند که بدون در نظر گرفتن ادبیات ترجمه‌ای ارائه تصویری کامل از ادبیات بومی و ملی ممکن نیست، پس از آن، به تأثیر ترجمه قرآن در مضامین اشعار *تأسی از قرآن پوشکین* اشاره می‌شود. در مقاله سوره‌هایی از قرآن که منبع الهام و پیدایش قطعه اول شعر *تأسی از قرآن* اند، نشان داده شده است، این قطعه نیز، براساس موضوعات منبع الهام آن، مورد ارزیابی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: قرآن، ادبیات روسیه، تأسی از قرآن، پوشکین، ترجمه

* مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی آیات و مفاهیم قرآنی در اشعار *تأسی از قرآن پوشکین*» شماره ۳۶۳/۳/۱۰۶۷ است، که با حمایت مالی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران در دست انجام است.

مقدمه

در ارتباط با تأثیر مثبت و نقش مهم ترجمه و ادبیات ترجمه‌ای در توسعه و شکوفایی ادبیات ملل مختلف، اتفاق نظر وجود دارد. اکثر محققان و نویسندگان، آن را بخش جدانشدنی ادبیات هر ملت می‌دانند و معتقدند که خاستگاه ادبیات درون جان انسان است و به همین دلیل، آن‌چنان به قلب و روح آدمی رسوخ می‌کند که به جرأت می‌توان آن را یکی از عوامل اساسی نزدیکی انسان‌ها دانست. قبل از پیدایش ادبیات مکتوب، که در میان ملل مختلف به دوره‌های مختلفی برمی‌گردد، ادبیات شفاهی ملت‌ها با وجود فاصله‌های زیاد بین کشورها و نبود امکانات کافی برای انتقال، به قلمرو جغرافیایی ملتی خاص محدود نشد و راه گسترش و توسعه خود را از مرزهای پیدایش خود فراتر گذاشت. در تأیید این نکته می‌توان به مضامین مشترک برخی افسانه‌ها، حکایت‌ها و قصه‌های ملل مختلف اشاره کرد که گرچه زبان آن‌ها گوناگون است، اما مضمونی مشترک دارند، آن‌چنان که می‌پنداری به یک زبان سخن می‌گویند. بنابراین، آثار برجسته یک ملت، در یک سرزمین محدود و مقید نمی‌ماند، اگر پویا و ماندگار باشد، اوج می‌گیرد و سرزمین‌ها را در هم می‌نوردد، این پویایی، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد.

یکی از راه‌های مهم گسترش ادبیات یک ملت به درون ادبیات ملت‌های دیگر، که باعث گسستن مرزها هم می‌شود، ترجمه است. این فرایند موجب می‌شود تا ادبیات یک ملت به سهولت به درون فرهنگ ملتی دیگر راه یابد.

بحث و بررسی

درباره ترجمه و جایگاه آن در ادبیات، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. از طرفی اکثر صاحب‌نظران معتقدند که ترجمه اصیل و کامل مقدور نیست. «از نظر ژرژ مولن از دیدگاه زبان‌شناسی و از نظر نشانه‌شناسی (Sémiologie) ترجمه مقدور نیست» (غیائی، ۱۳۸۰، ص ۱). از طرف دیگر ژرژ مولن در رابطه با سابقه ترجمه اضافه می‌کند که «تاریخ ترجمه دارای قدمت دو هزار ساله است» (همان‌جا، ص ۱). آنچه که مسلم است خواسته یا ناخواسته، ترجمه به راه خود ادامه می‌دهد. بنابراین نمی‌توان نه تنها ادبیات، بلکه دیگر علوم را نیز به

مرزهای خود محدود کنیم.

برخی از نویسندگان و دانشمندان روسی معتقدند که ترجمه هر قدر هم دقیق و نزدیک به متن اصلی باشد، در واقع کار جدیدی است که بر اساس متن اصلی در کشور دیگری به وجود آمده است. آکادمیسین معروف روسیه م. پ. آلکسی‌یف می‌نویسد: «هر اثر ادبی که به زبان دیگری ترجمه می‌شود، به نوعی، از اصل و آثار نزدیک خود جدا می‌شود، دارای صدایی می‌شود که قبلاً نداشت و بعضی از ویژگی‌های خود را، و پیش‌تر از همه، نشانه‌های زمان را از دست می‌دهد. البته آثار ترجمه شده، دارای ویژگی‌های جدیدی نیز می‌شوند که قبلاً آنها را نداشتند» (آلکسی‌یف، ۱۹۷۶، ص ۷).

چرنیشفسکی در باره اهمیت و جایگاه ادبیات ترجمه‌ای می‌نویسد: «ادبیات ترجمه‌ای در میان همه ملل معاصر اروپایی نقش مهمی در توسعه روشنگری و سلیقه زیبا شناختی دارد... ادبیات ترجمه‌ای در روسیه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تا قبل از پوشکین ادبیات ترجمه‌ای از ادبیات ملی (اصلی) مهمتر بود. حتی هنوز هم به راحتی نمی‌توان گفت که ادبیات ملی (اصلی) بالاتر است یا ترجمه؟» (چرنیشفسکی، ۱۹۴۸، صص ۵۰۴-۵۰۳).

ترجمه آثار برجسته زبان‌های دیگر در واقع علاوه بر این که موجب غنی شدن ادبیات ملی می‌شود، شرایط لازم را نیز برای غنی شدن اثر مورد ترجمه فراهم می‌سازند. توضیح و تفسیر یک اثر، از نگاه ملتی دیگر، به خواننده این امکان را می‌دهد تا شاه‌کارهای ادبی را بهتر و عمیق‌تر درک کند. ترجمه آثار برجسته به منظور فراگرفتن دستاوردهای فرهنگی دیگر کشورها صورت می‌گیرد، زیرا وقتی که شاه‌کارهای ادبی هر ملتی به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شوند، به راحتی و به صورت نامحسوس و طبیعی وارد ادبیات ملی آن کشور می‌شوند و جای خود را در میان ملت‌های دیگر پیدا می‌کنند.

فیودوروف در این باره می‌نویسد: «همه آن چیزهای خوبی که در زمینه ادبیات ترجمه‌ای در زبان روسی به وجود آمده است، به صورت طبیعی وارد ادبیات روسیه شده است.» (فیودوروف، ۱۹۶۰، ص ۶).

در اینجا به نقش ادبیات ترجمه‌ای در توسعه ادبیات و همچنین به تأثیر فرهنگ شرقی در پیدایش آثار پوشکین، به بررسی اولین شعر از مجموعه اشعار شاعر با عنوان *تأسی از قرآن* و

همچنین به آیات و سوره‌هایی از قرآن که شعر *تأسی از قرآن* بر اساس آن‌ها سروده شده است، می‌پردازیم.

شرق، در آثار نویسندگان بزرگ روسیه جایگاه مهمی دارد، «طبیعت اعجاب انگیز شرق موجب پیدایش آثار هنرمندانه نویسندگان و شاعرانی چون پوشکین، لرمانتف، تالستوی و... شده است که بیشتر اینان دورانی از زندگی خود را، به دلایل مختلف، در آنجا سپری کرده‌اند. لف تالستوی در رمان حاجی مراد روش زندگی و خصوصیات شرقی را استادانه وصف می‌کند. او آن‌چنان هنرمندانه نکات ریز و احکام و قوانین اسلامی را وصف می‌کند که برای یک محقق مسلمان نیز تحسین‌برانگیز است» (یحیی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۳۲۶).

بنابراین، توجه و علاقه پوشکین شاعر توانمند روسیه نیز به مسائل و موضوعات روسیه محدود نمی‌شد. در بسیاری از آثار پوشکین مسائل و موضوعات خارجی، به‌خصوص شرقی محسوس است. شاعر علاقه زیادی به توصیف و انعکاس فرهنگ و سلیقه شرقی داشت. از آثار برجسته وی در این زمینه می‌توان به منظومه‌های *زندانی قفقاز* و *فواره باغچه سرای* اشاره کرد. خانم فاطمه سیاح در کتاب *نقد و سیاحت* می‌نویسد: «پوشکین در *زندانی قفقاز* برتری و عظمت روح شرقی را نسبت به غربیان اثبات می‌نماید» (سیاح، ۱۳۵۴).

از ترجمه‌های برجسته شرقی به زبان روسی، ترجمه قرآن مجید است که تأثیر به‌سزایی در مضامین آثار نویسندگان و شاعران بزرگ روسیه داشته است. از نظر خانم کاشتالوا محقق روسی، «منبع پیدایش مجموعه اشعار پوشکین تحت عنوان *تأسی از قرآن*، ترجمه قرآن مجید به زبان روسی بوده است که توسط *ویوکی م. Веревкин* یکی از نویسندگان آشنا به اسلام و فرهنگ شرقی در سال ۱۷۹۰ ترجمه شد» (کاشتالوا، ۱۹۳۰، صص ۲۳۷-۲۴۳). چرنیایف هم معتقد است که قرآن، پوشکین را به سوی مذهب و موضوعات دینی سوق داد: «قرآن اولین جرقه احیاء مذهب را در پوشکین به‌وجود آورد و به همین دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای در زندگی درونی او داشت» (چرنیایف، ۱۸۹۸، ص ۵۱).

پوشکین خود فردی مبارز و آزادی‌خواه بود و به زندگی بزرگان و محققان جهان و همچنین به کتاب‌های مقدس الهی نه تنها بی‌توجه نبود، بلکه علاقه خاصی هم داشت. پوشکین اشعاری از خود را براساس مفاهیم و مضامین قرآنی سرود. روح او به قرآن و به کلام خدا کشش داشت، کلامی که او را

از جهالت و وابستگی‌های مادی رها می‌ساخت. واسیلی ایوانویچ کولیشف منتقد معاصر روسی در این زمینه می‌نویسد: «پوشکین سعی می‌کرد جهان‌بینی و روحیه رنج‌دیدگان واقعی در راه آزادی و مبلغان قوی کلام را که عهده‌دار تغییر و بهبودی زندگی بشر و روحیه بخشیدن به میلیون‌ها انسان‌اند، بیاموزد و درک نماید. برای او تعلق آنان به ملت‌ها و زمان‌های مختلف، اهمیتی نداشت. او می‌خواست ویژگی‌های شخصی، ملی و زمانی هر کدام از این شخصیت‌ها را تعیین و احساس نماید تا نیروی تأثیرگذاری آن‌ها بر دل و عقل مردم را برای خود بیشتر تفهیم کند. در این رابطه مجموعه اشعار تاسی از قرآن که در پاییز ۱۸۲۴ سروده شده است بسیار چشم‌گیر است... با درک این مطلب که قرآن اهمیت خاصی برای بسیاری از مسلمانان دارد، پوشکین سعی می‌کرد در حال و هوای آن سیر کند.» (کولیشف، ۱۹۹۴، صص ۱۳۰-۱۳۱).

سبک تقلید و تاسی در آثار پوشکین بسیار چشم‌گیر است، او از موضوع و سبک آثار نویسندگان مختلف مانند شکسپیر، کارامزین و... تقلید می‌کرد. البته شاعر در این روش با استفاده از خلاقیت شاعرانه خود تغییراتی نیز در آنها ایجاد می‌نمود.

توجه شاعر به فرهنگ و کتاب مقدس شرقی‌ها (قرآن) و پیامبر اسلام فوق‌العاده است. در این زمینه، مجموعه‌ای کامل و غنی از او به یادگار مانده است که از ۹ قسمت تشکیل شده است. محتوای اشعار این مجموعه برگرفته از سوره‌های مختلف قرآن است.

یادآوری می‌شود که توجه پوشکین به موضوعات دینی و شرق فقط به این مجموعه اشعار خلاصه نمی‌شود، بلکه او اشعار دیگری نیز مانند پیامبر^۱ و از حافظ^۲ دارد که آنها نیز تحت تأثیر فرهنگ دینی و شرقی سروده است.

پوشکین افزون بر این‌ها، در نامه‌های خود نیز به قرآن و زندگی پیامبر اسلام اشاره کرده است. برای مثال در اوایل نوامبر ۱۸۲۴ قبل از سرودن مجموعه اشعار تاسی از قرآن به برادرش لف سرگیویچ Лев Сергеевич می‌نویسد: «من برای تبلیغ قرآن زحمت می‌کشم». در اواخر نوامبر همان سال به پ.آ.ویازمسکی П.А.Вяземский نوشت «در ضمن مجبور بودم از مکه به مدینه هجرت کنم. قرآن من دست به دست می‌گردد و حالا هم مؤمنان در

1- Пророк

2 - Из Гафиза

انتظارند». در این نامه منظور پوشکین از قرآن، اشعار آزادی‌خواهانه او است که سانسور اجازه چاپ آن‌ها را نمی‌داد اما، به صورت دستنویس میان جوانان دست به دست می‌گشت. شاعر را به خاطر این اشعار به شمال روسیه، به ملک خانوادگیش در روستای میخایلوفسکی Михайловское مدتی تبعید کردند (در نامه به پ.آ. ویازمسکی منظور پوشکین از هجرت مکه به مدینه، اشاره غیر مستقیم به تبعید او در روستای میخایلوفسکی است)، که شعر تأسی از قرآن را در آنجا سرود. مجموعه اشعار تأسی از قرآن از ۹ قطعه مستقل تشکیل شده‌است، وجه مشترک آن‌ها در این است که کلیه این اشعار با الهام از مضامین و مفاهیم قرآنی سروده شده‌اند. در اینجا ضمن ارائه ترجمه قطعه اول از این مجموعه، آیاتی از سوره‌های قرآن که منبع پیدایش و الهام این قطعه‌اند در ارتباط با ابیات قطعه اول شعر تأسی از قرآن، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

Подражания Корану تأسی از قرآن

Клянусь четой и нечетой

قسم بر هر آنچه که زوج است و فرد

Клянусь мечом и правой

به شمشیر در روز سخت نبرد

битвой

Клянуся утренней звездой

قسم بر ستاره، شفق، صبحگاه

Клянусь вечернею молитвой:

قسم بر مناجات در نور ماه

Нет, не покинул я тебя.

که هرگز تو را یکه نگذاشتیم

Кого же в сень успокоенья

تو را منجی خلق بگماشتیم

Я ввел, главу его любя,

ز بدچشم مستوری‌ات داده‌ایم

И скрыл от зоркого гоненья

ز آرامشت جامه پوشانده‌ایم

Не я ль в день жажды напоил

در آن شب که لب‌های تو تشنه شد

Тебя пустынными водами?

بیابان‌ترین خاک‌ها چشمه شد

Не я ль язык твой одарил

بیانی عطا کردم بس بلیغ

Могучей властью над умами?

که نابخردان را ببرد چو تیغ

Мужайся ж, презирай обман,
Стезюю правды бодро следуй,
Люби сирот и мой Коран
Дрожащей твари проповедуй.

پیا خیز و مردانه پیکار کن
بیا راه حق را تو هموار کن
محبت نما بر یتیمان من
فراخوان جهان را به قرآن من
که چون بید می‌لرزد ایمانشان
به راه حقیقت، فراخوانشان

پی‌نوشت قطعه اول:

В других местах Корана Аллах клянется копытами кобылиц, плодами смоковницы, свободою Мекки, добродетелию и пророком, ангелами и человеком и проч. Странный сей риторический оборот встречается в Коране поминутно.

(۱) «در قسمت‌های دیگر قرآن، خدا به مادیان، میوه درخت انجیر، آزادی مکه، نیکوکاری، پیامبر، فرشته‌ها، انسان و ... سوگند یاد می‌کند. عجیب است که این عبارات پرمطراق در قرآن زیاد دیده می‌شوند» (پوشکین، ۱۹۹۰، صص ۱۸۴ و ۱۸۹).

همان‌طور که دیدیم، اولین قطعه از مجموعه ۹ قسمتی تأسی از قرآن، از چهار دوبیتی و یک پی‌نوشت تشکیل شده است که برگرفته از سوره‌های ضحی، طارق، عصر، فجر، توبه، اسراء، بقره و مائده‌اند. البته بعضی از مفاهیم نیز، با توجه به اهمیت آن‌ها در جاهای مختلف قرآن کریم آورده شده است.

دوبیت اول این شعر، برگرفته از آیات زیر از سوره‌های ضحی، طارق، عصر و فجراند:
والضحی واللیل اذا سجدی ماودعک ربک و ماقلی ... / قسم به روز در آن هنگام که
آفتاب برآید (و همه جا را فرا گیرد)، و سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد، که خداوند
هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است ... / (سوره ضحی، آیات ۳-۱).

والسما والطارق ... / سوگند به آسمان و کوبنده شب، ... / (سوره طارق، آیه ۱).

والعصر ان الانسان لفی خسر ... / به عصر سوگند، که انسان‌ها همه در زیانند؛ ...

(سوره عصر، آیات ۲-۱).

والفجر ولیل عشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر / به سپیده دم سوگند، و به شب‌های دهگانه، و به زوج و فرد، و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می‌کند سوگند (که پروردگارت در کمین ظالمان است) / (سوره فجر، آیات ۴-۱).

پوشکین این شعر را در دوران سخت تبعید در روستای میخاییلوسکی سروده است. این دوره یکی از دوران پر بار و اوج شکوفایی و پختگی پوشکین است که آثار مختلف و متنوعی از او در این دوره به جای مانده است. اولین قطعه تأسی از قرآن نشان می‌دهد که پوشکین با سوره‌های مختلف قرآن خیلی خوب آشنا بود. در دو بیت اول سوگندهای گوناگونی را از سوره‌های مختلف قرآن آورده است و در حاشیه (پی‌نوشت) این قطعه یادآوری کرده است که در «قسمت‌های دیگر قرآن به مادیان، میوه درخت انجیر، آزادی مکه، نیکوکاری، پیامبر، فرشته‌ها، انسان و ... سوگند یاد شده است» (همان، ص ۱۸۹). بنابراین شاعر قبل از سرودن این شعر با قرآن کاملاً آشنا بود و با استفاده از ذوق و خلاقیت‌های شاعرانه و همچنین بر اساس درک و فهم و یافته‌های خود، آن را با تغییراتی به رشته تحریر در آورده است.

دو بیتی دوم شعر اول بازتاب شرایط روحی و روانی پوشکین در دوران سخت تبعید است که از آیه ۴۰ از سوره توبه گرفته شده است. زمانی که او دور از زندگی اجتماعی و ادبی پایتخت، در یک روستایی دور افتاده در تبعید به سر می‌برد، یأس و ناامیدی بر او چیره شده بود. شاعر با استفاده از مضمون این آیه (که همان نوید یاری به پیامبر است) یأس و ناامیدی را از خود دور می‌سازد و بدین وسیله روحیه خود را تقویت می‌کند. در آیه ۴۰ از سوره توبه آمده است، زمانی که پیامبر کاملاً تنها بود و به خاطر اذیت و آزار و سخت‌گیری‌های مخالفان ترویج قرآن، مجبور شد از مکه به مدینه هجرت کند، خداوند به او یاری رسانده است: «الا تنصروه فقد نصره الله اذ أخرجه الذین کفرو اثنین اذ هما فی الغار اذ یقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سکتته علیه و ایده بجنود لم تروها و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه الله هی العلیا و الله عزیز حکیم» / اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد؛ (و در مشکل‌ترین ساعات او را تنها گذاشت؛) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت): در آن هنگام که آن دو در غار بودند،

و او به همراه خود می‌گفت: «غم مخور خدا با ماست.» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکریایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت؛) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است. / (سوره توبه، آیه ۴۰).

ن. و فریدمان می‌نویسد: «در پشت چهره محمد، پوشکین تبعیدی نهفته است که در تنهایی خود در میخاییلوفسکی شعر *تأسی از قرآن* را سروده است» (فریدمان، ۱۹۴۶، ص ۸۹). د. د. بلاگوی هم معتقد است که در این شعر «بیوگرافی شخصی نویسنده دیده می‌شود» (بلاگوی ۱۸۲۶، ص ۳۸۶). پوشکین نیز مجبور شد به خاطر اشعار آزادی‌خواهانه و ضداستبدادی خود مهاجرت نماید و مدت زیادی از زندگی خود را در تبعید بگذراند. البته، به نظر می‌رسد که مقایسه پیامبر خدا با شاعر (پوشکین) درست نیست و ما هم قصد انجام چنین کاری را در اینجا نداریم. ولی می‌توان گفت که پوشکین در زندگی خود برخی از درد و رنج‌های حضرت محمد (ص) را حس کرد و با مطالعه ترجمه قرآن، مطالب و موضوعاتی را در آن یافت که او را بسیار تحت تأثیر خود قرار داد و با الهام از آنها اشعاری را سرود.

در دو بیتی سوم، از زبان شیوا و توانای پیامبر صحبت می‌شود که در سوره‌های مختلف قرآن در این مورد آمده‌است. محمد (ص) رسول خداست، رسالت او اعلام و تبلیغ دین خداست و به همین دلیل خداوند زبان گیرا و توانایی به او عطا کرده‌است، در جاهای مختلف قرآن آمده‌است که قرآن، کتاب مقدسی است، که خداوند آن را به وسیله محمد (ص) به بشر نازل کرده‌است. این کتاب یک معجزه الهی است که اگر همه انسان‌ها و جن‌ها دست به دست هم دهند، نمی‌توانند مشابه آن را خلق نمایند. در آیه ۸۸ سوره اسراء آمده است: *قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لایاتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا*/ بگو: اگر انسان و جن اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند / (سوره اسراء، آیه ۸۸).

البته از آیات فوق پیداست که در قرآن کریم بیشتر از زبان شیرین، روان و بی‌نظیر بودن قرآن سخن به میان آمده‌است، ولی در شعر پوشکین فقط به زبان شیوا و گیرای رسول گرامی اشاره شده‌است. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم، شعر پوشکین ترجمه آیه یا آیاتی از قرآن

کریم نیست، بلکه او با استفاده از ذوق خلاق و شاعرانه، مضامین و مفاهیم قرآنی را براساس درک و فهم خود به نظم کشیده است. در جاهای مختلف قرآن می‌بینیم که خداوند به پیامبر امر می‌کند که حرف بزند (قل) و دین او را تبلیغ نماید.

دو بیت چهارم شعر اول پوشکین نیز از سوره‌های مختلف قرآن گرفته شده است. خصوصیات مثل جوانمردی، محبت و مهربانی، یتیم‌نوازی و تبلیغ قرآن که در دوبیت آخر آمده است، در جاهای مختلف قرآن نیز به این موارد تأکید شده است: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک ... / ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان؛ ... / (سوره مائده، آیه ۶۷).
... و بالوالدین احسانا و ذی القربی و الیتیمی و المسکین و قولوا للناس حسنا ... / ... و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم بگویید؛ ... / (سوره بقره، آیه ۸۳).

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب ترجمه قرآن کریم به زبان روسی موجب پیدایش مجموعه اشعار تأسی از قرآن پوشکین گردید. آثار برجسته دینی و شاه‌کارهای ادبی که منادی حق و عدالت‌اند، مرزهای جغرافیایی نمی‌شناسند، به ملتی خاصی تعلق ندارند، بلکه جهانی‌اند و می‌توانند عامل نزدیکی و دوستی ملل مختلف گردند.

موضوعات و مسائل اشعار پوشکین در واقع بازتاب گوشه‌هایی از زندگی شخصی شاعر است که در آن‌ها نشانه‌هایی از دغدغه‌های فکری و ذهنی شاعر مشاهده می‌شوند. همان‌طور که دیدیم، پوشکین شاعر توانمند و آزادی‌خواه روس، موضوعات و مفاهیمی را در قرآن یافت که توجیه‌گر رفتار و زندگی شخصی خود اوست. قطعه اول تأسی از قرآن برگرفته از یک سوره مشخص و یا ترجمه یک سوره خاص قرآن نیست، بلکه برگرفته از سوره‌های مختلف قرآن است که ما سعی کردیم آن‌ها را در این مجال نشان بدهیم. این خود نشان می‌دهد که پوشکین خیلی خوب با قرآن آشنا بود. او نیز مانند مسلمانان در روزهای سخت و دشوار

بررسی نقش ترجمه و ادبیات ترجمه‌ای در توسعه ادبیات روسیه ۴۷

زندگی خود به قرآن پناه می‌برد و همچنین مفاهیم و اندیشه‌های قرآنی را در قالب شعر منعکس می‌ساخت و بدین وسیله روحیه خود را در دوران سخت تبعید تقویت می‌کرد و امید به آزادی و رهایی را در خود زنده نگه می‌داشت.

در ضمن پوشکین علاقه وافری به درک و فهم زندگی بزرگان عالم و همچنین آثار برجسته دینی و ادبی جهان داشت، او سعی می‌کرد قدرت تأثیرگذاری آنها را بر دل و جان میلیون‌ها انسان درک نماید.

منابع

- ۱- قرآن کریم، مترجم آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات دارالقران «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی»، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۲- سیاح، فاطمه، نقد و سیاحت، مجموعه مقالات و تقریرات، انتشارات توس، تهران، ۱۳۵۴.
- ۳- غیانی، محمد تقی، «آیا ترجمه مقدور است؟»، ۱۳۸۰، (دست‌نویس).
- ۴- یحیی پور، مرضیه، حاجی‌مراد، نایبی که از مرگش لف نیکلایویچ تالستوی سخت متأثر شد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۴-۱۵۳، بهار ۱۳۷۹.
- 5- Алексеев, М.П., *Русская классическая литература и ее мировое значение*. –Рус. Лит., 1976, №1.
- 6- Благой, Д.Д., *Творческий путь Пушкина, Просвещение*, М., Л., 1950.
- 7- Васильев, Б.А., *Духовный путь Пушкина*, Sam & Sam, М., 1994.
- 8- Данциг, Б.М., *Ближний восток в русской науке и литературе*, Наука, М., 1973.
- 9- Кашгалева, К.С., «Подражания Корану» *Пушкина и их первоисточник*. –*Записки коллегии востоковедов*, Искусство, Л., 1930.
- 10- Кулешов, В.И., *Пушкин: жизнь и творчество*, Скифы, М., 1994.
- 11- Пушкин, А.С., *Избранные сочинения*, Художественная литература, М., 1990.
- 12- Федоров, А.М., *Русские писатели и проблемы перевода*. – В кн.: *Русские писатели о переводе. XVIII – XX вв.*, Искусство, Л., 1960.

- 13- Фридман, Н.В., *Образ поэта – пророка в лирике Пушкина*, МГУ, М., 1946.
- 14- Чельшев, Е.М., *Пушкин и мир востока*, Наука, М., 1999.
- 15- Чернышевский, Н.Г., *Полн. собр. соч. в 15-ти т. т.4.*, Художественная литература, М., 1948.
- 16- Черняев, Н.И., «Пророк» *Пушкина в связи с его же «Подражаниями Корану»*, Филология, М., 1898.